

تشکیلات در اسلام

با اینکه مدت‌ها است در این مجله در موضوع تشکیلات در اسلام گفتگو می‌شود با این وصف بسیاری از خوانندگان محترم بمقصد واقعی اطلاع کامل پیدا ننموده‌اند و شاید چنین خیال می‌کنند که مقصود پیر کردن صفحات مجله است و در مقابل استفاده مادی است در صورتی که موضوع مهم‌تر از این است و باین جهت ما مطلب را روشن‌تر بیان می‌کنیم با امید آنکه به‌ریشه جمیع مفاسد اجتماعی بر خوردنمائیم و این موضوع حائز اهمیت است زیرا تا مریض درک نکند که مریض است و تا طبیب مرض را تشخیص ندهد محال است که مریض صحت پیدا کند و از این جهت با تقدیم دو مقدمه به نتیجه خواهیم رسید

مقدمه اول آنست که بحال بشریت اصلاح نمی‌شود مگر در زیر سایه دین و بدیهی است مقصود ما از دین دین مقدس اسلام است که کامل‌ترین ادیان و شامل کلیه قوانین فردی و اجتماعی است و در این باره بقدری تا کنون بحث و تحقیق شده است که از جمله مسأله بدیهی بشمار می‌آید.

مقدمه دوم آنست که در تمام دنیا مسلمین بالغ بر شصت میلیون جمعیت هستند و از لحاظ وضع زندگی در منتهای درجه رنج و فشار مادی و معنوی و حتی پست‌تر از کسانی زندگانی می‌کنند که یا اساساً منکر خدا و تمام ادیان هستند و یا آنکه متدین به ادیان منسوخه توریه و انجیل می‌باشند، پس چرا و بچه جهت تا این حد اجتماع اسلامی ضعیف و رو با انحطاط است؟ یا باید گفت که این ادعا که دین اسلام شامل قوانین و

مقررات کامله است صحیح نیست (نمود بالله) و یا باید متأسفانه اعتراف کرد که اجتماع صحیح اسلامی وجود خارجی ندارد و در صورتی که ما مشاهده می کنیم که در ایران و عراق و افغانستان و پاکستان و ترکیه و مجاز و سایر کشورهای مردم مسلمان بسیار اند که در هر سال مکه می روند و نماز می خوانند و روزه می گیرند و زکوة میدهند گذشته از مردم سایر کشورهای این کشور ایران که مطابق قانون اساسی دین رسمی او اسلام و طریقه حقه جعفریه است تا چه حدی مردم در باره دین فداکاری می کنند اغلب مساجد پراست از نماز جماعت خوان و ماه مبارک رمضان کسی رسماً منظره به خوردن روزه نیست مگر عده کمی و در هر سال کسانی که در این هوای گرم مکه می روند و مواجه با کسالت و حتی مری می شوند بسیار اند و گذشته از آنها و ماه محرم و صفر در هر شهر و قریه چادرها سر پا و بالغ بر ملیون ها توهمان در راه تعزیه داری حسین ابن علی علیه السلام صرف می شود و مبلغین و منبریها و مرتبه خوانان باختلاف مراتب با اینکه بالغ بر ده ها هزار می باشند مبلغ بسیاری از این راه استفاده می کنند و هم چنین علما و روحانیین در تمام شهرها و قصبات که بالغ بر چند صد هزار می شود و همه آنها با کمال خوبی و عزت و احترام زندگی می کنند و گذشته از آنچه از گذشته کان باقی مانده از موقوفات در هر شهر و قریه که بالغ بر ملیونها می شود و اعیان موقوفه آنها از مزارع و مستغلات و مغازه ها و قناتها و غیر آنها که می توان گفت در هیچ شهری و دیهی نیست مگر آنکه موقوفات هست و گذشته از اینها کمکها و مساعدت ها که مردم مسلمان نیکوکار در هر مرحله انجام میدهند از ساختن پل ها و آب انبارها و قبرستانها و مدارس و کتابخانه ها و چاپ کتابها و غیر اینها که اگر با دقت در همه موضوعات بررسی شود معلوم خواهد شد که در هیچ کشوری تا این حد مردم پول نمی دهند و مساعدت نمی کنند و این مخارج از خصایص مردم این کشور است که حتی کشور عراق از لحاظ ساختمانهای دینی از قبیل نجف و کربلا و سامره و سایر آنچه مربوط است بوسیله بزرگان مذهبی این کشور بر پا شده است

پس با وجود همه این مراتب چه علتی در کار است که مردم از لحاظ زندگی گمانی ناراحت و همه چاهها بلند و از وضع حاضر ناراضی هستند با آنکه وضع حاضر در این

کشور نسبت به سایر کشورها بهتر است و امنیت بر حسب صورتی برقرار می باشد و تمام نویسندگان و گویندگان در اطراف خرابیهای اجتماع قلم فرسایی می کنند و برای بهبودی وضع کشور اظهار نظر می نمایند و غالباً بهم دارای حسن نیت هستند اما در این باره نظر مخصوصی داریم و راه اصلاح را نشان می دهیم و تنها به اظهار درد قناعت نمی کنیم زیرا از اظهار درد مداوا نمیشود چنانکه روبرو غالب نویسندگان و گویندگان است که تنها رویه آن ها انتقاد است و راه اصلاح را نشان نمی دهند که باید چه کرد تا خوب شود و باره هم تنها بگفتن کلیات قناعت می کنند از قبیل اینکه مسلمان شوید یا خوب شوید یا تابع قرآن شوید و غیر اینها اما راه خوب شدن چیست راه مسلمان شدن کدام است و یاباره از موضوعات اخلاقی دروغ نگویید غیبت نکنید ظلم نکنید و غیر اینها که اثر عملی ندارد.

ولکن آنچه مایه گوئیم آنست که ماهنامه چیز داریم آنچه نداریم تشکیلات صحیح و اساسی اسلامی است! راست است که در این مملکت در تمام شهرها و حتی در تهران که مرکز حکومت است انجمن ها و هیئت ها و مجالس و محافل درس تفسیر و بیان مسائل و احکام و اخلاق زیاد و فراوان است ولی اینها تشکیلات نیست زیرا مرشدها و رهبرها و مدیران این اجتماعات با هم همکاری ندارند و یکدیگر را نمی شناسند مانند نمازهای جماعت که هر امامی مریدان مخصوص به خود دارد اگر در هر محلی چادرها برای تعزیه داری حسین بن علی بالامی رود و روزها شورا هم دسته ها حرکت می کنند و تمام اینها دارای یک هدف بیشتر نمی باشند که سینه بزنند و عزاداری کنند و یا همه آنها دارای خلوص نیت هستند و یا نیستند مسئله دیگری است ولی اینهمه تشکیلات ابداً اثری ندارد و ایام عزاداری که تمام شد همه آنها دنبال کار خود می روند و نتیجه مثبت گرفته نمیشود!

پس اینها تشکیلات اسلامی نیست و حق هم دارند زیرا آنها از دین اسلام و تبعیت از مکتب آل محمد غیر از این نفهمیده اند و بنظر ما این تشکیلات باید در مرتبه اول در میانه کسانی تشکیل شود که خود را رهبر دینی اجتماع می دانند و مربی اجتماع

می باشند و بعبارة آخری در مرتبه اول این تشکیلات لازم است در میان اهل علم و روحانین عملی شود.

حال باید دید برای چه میانه آنها عملی نیست اگر کسی مدعی باشد که در میان آنها عملی است آنوقت باید سؤال کرد که اگر این تشکیلات عملی بود بچه جهت و برای چه با وجود ده ها هزار نفر فقیه و عالم مجتهد و مبلغ و واعظ و آیات الله و حجج اسلام که هر کدام در شهری و حتی در مملکت معروف و مشهور و دارای شخصیت ارجمند و در حد خود نیرومند هستند قادر نیستند که در مقابل این همه فحشا و منکرات و مفساد مبارزه اساسی کنند و منافع خود و ملت مسلمان را تأمین نمایند بدیهی است هیئت ها که ما تابع افکار عمومی ملت هستیم در صورتی که علماء و روحانین متشکل باشند محال است که دولت برای آنها ارزش حقیقی قائل نباشد و که در مرتبه اول نمایندگان اعزامی آنها که هیئت پنج نفری است که طبق مقررات قانون اساسی باید در مجلس شورای ملی حاضر باشند که قوانین وقتی قابل اجرا میشود که آنها فور و بررسی نموده باشند که مخالف قانون اسلام نباشد و این حق را قانون اساسی مملکت به علماء و روحانین داده ولی کوچک ترین استفاده از آن برده نشد است ولی بیشتر قوانین از قبیل مالیات مشروبات الکلی و غیر اینها بر خلاف قانون اسلام از مجلس گذشته و اجرا می شود پس اگر متشکل بودند میتوانستند تمام منافع اجتماعی خود و ملت مسلمان را تأمین کنند و گذشته از این هم آهنگی در تربیت و تعلیم و بودن بر نامه صحیح مطابق با پیشرفت علم امروز و داشتن مجله و روزنامه مخصوص که مخارج آن از ناحیه تشکیلات روحانیت تأمین شود و تمام اینها بستگی به تشکیلات صحیح و اساسی دارد.

حال باید دید چرا متشکل نیستند البته این موضوع خیلی وسیع است و مافلا نمی خواهیم وارد این موضوع بشویم ولیکن موضوعی که شاید در نظر بسیاری از خوانندگان جالب باشد این است که در این عصر اتم و پیشرفت قانون تکامل هنوز هستند و شاید عده آنها هم زیاد باشد که عقیده آنها این است که نظم روحانیت در بی نظمی است و بعبارت دیگر جامعه علماء و روحانیت نباید منظم باشد لذا باید این دسته را قانع کرد

کہ روحانیت اگر بخواهد باقی و دائم و منشاء اثر باشد باید متشکل باشد مانند همه چیز کہ با وجود آنکہ از جانب خداست و سائل و اسباب ہم لازم است مانند اینکہ خدا رازق است ولی کار و کسب و زراعت و غیر این ها از وسائل لازم است و در مورد مرض با آنکہ خدا شفا دهنده است مراجعہ بہ طبیب و دوا لازم است ہم چنین با وجود آنکہ خداوند حافظ دین و جامعہ روحانیت است و سائل حفظ و بقا و نگاہداری لازم است و این مبارزہ مبارزہ علمی است کہ حائز کمال اهمیت است و چنانچہ این راہ پاک بشود و طرف داران این نظریہ کہ نظم روحانیت در بی نظمی است قانع نشوند آنوقت در اطراف کیفیت تشکیل روحانیت باید بحث بشود و چنانچہ این دستہ قانع نشوند و با این منطق کہ نظم روحانیت در بی نظمی است در اطراف تشکیلات صحبت کردن بدون اثر خواهد بود .

ما از طرف داران این نظریہ کہ (نظم روحانیت در بی نظمی است) چند سؤال میکنیم کہ چہ یقین داریم کہ طرف داران این نظریہ جوابی نخواهند داد و اساساً جوابی ندارند بدهند با وجود این برای روشن شدن افکار ما این پرسش ها را در این مجلہ عنوان میکنیم .

اول آیا بنظر شما کسی کہ وارد در شغل روحانیت میشود و متلبس بلباس روحانیت می گردد نباید هیچ کونہ فید و شرطی برای او لازم باشد کہ این آدم کیست از کجا آمده مقصودش از ورود در جامعہ طلاب و روحانی چیست .

دوم آیا بنظر شما کسی کہ سالها از حمت کشیدہ و درس خواندہ است و از لحاظ اخلاق و رفتار متدین و مراقب افعال و کارهای خود میباشد با کسی کہ وارد شدہ در لباس روحانیت و بیکارہ و ولگرد و مرتکب فسق و فجور کہ از هیچ کار زشتی خود داری نمی کند باید مساوی باشد و بھرحوہہ با آنکس کہ عادل و متدین و محصل است از لحاظ حقوق و سایر مزایا نباید فرقی داشته باشد .

سوم ہر کس در ہر شہری ہر کاری کہ مطابق دلخواہ اوست انجام بدهد و خود را مسئول احدی از خلق و خالق نداند و ہر کسی را کہ میخواهد تکفیر

یا تفسیق نماید و یا با نداشتن اطلاعات کافی با مخالفین دین اسلام وارد در بحث
 بشود و مغلوب بشود و این موجب ننگ برای مسلمین و عالم روحانیت نیست مادر
 جواب نسبت باین سه سؤال فعلا قناعت می کنیم و رشته مطلب را بعداً دنبال خواهیم کرد

فوائد ادب

بس است اینمقدار ادب برای تو که دوری کنی از آنچه که برای دیگران

نمی پسندی

علی علیه السلام

هر کس از شما که بفرزندش ادب بیاموزد بهتر است از آنکه
 روزی نصف صاع صدقه بدهد .

« رسول خدا ص »

روشن نمادلت را بوسیله ادب همچنانکه آتش هیزم را میافروزد .

« امام حسن ع »

هر کس سه چیز دارا باشد غریب و تنها نیست ، مؤدب بودن ؛
 مردم را آزار نکردن ، از شک و ریب دوری جستن .

« امام صادق ع »

ادب ثروتمست اندوخته شده برای روز نیازمندی ، مونس زمان
 تنهاییست ادب دلهای خراب را آباد کند و خردهای مرده را زنده نماید ،
 آرزومندان بوسیله ادب بآرزویشان میرسند .

« علی ع »

ادب ، لباسهای نو و تازه است .

« علی ع »